آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۰۶۸
دوشنبه
۱۴۰۰•۰۵•۰۴
۱۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۲/ ۲۶ جولای ۲۰۲۱

یادداشت

دیپلماسی علم و ضرورت تامین منافع عمومی

سهراب اسا
مدیر امور بین‌الملل صندوق نوآوری و شکوفایی

تا پیش از این اگر زمانی سخن از انواع رویکردهای دیپلماسی علم، فناوری و نوآوری به میان می‌آمد تنها سه جنبه رویکردی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. این رویکردها شامل علم در دیپلماسی، دیپلماسی برای علم و علم برای دیپلماسی بود. از ژانویه سال ۲۰۱۰ تاکنون، تنها به گزارش انجمن پیشرفت علم آمریکا با عنوان مرزهای جدید در دیپلماسی علم، بسنده می‌شد و این گزارش بدون هیچ تغییری در رویکردهای تعریف شده خود یک دهه تاخت تا با چنین تعریفی تنها دو حوزه نخبگی، یعنی حوزه علم و حوزه سیاست را از تعامل با یکدیگر منتفع کند. گویی منافع تعامل دوجانبه علم و دیپلماسی می‌بایست تنها در همین دو حوزه سرریز شود. در این میان منافع عمومی، کمک به بهبود حرکت‌های اجتماعی، افزایش سطح اخلاقیات و در یک کلام سهم مردم از توسعه دیپلماسی علم تقریبا نادیده گرفته شده بود. بر اساس مدل‌های ارائه شده، حوزه علم در دیپلماسی به پوشش بسیاری از چالش‌هایی می‌پرداخت که در عرصه جهانی، جوامع با آنها روبه‌رو بودند. رد پای علم، (فناوری یا نوآوری) را چه در علت و چه در راه حل‌های آنها می‌توان مشاهده کرد. در واقع علم در دیپلماسی، اشاره به نقش علم و فناوری در بیان مصالح برای آگاهی بخشی و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی بود. به عبارت بهتر، علم در دیپلماسی یعنی مجهز کردن تصمیم گیران بین‌المللی به دانش علمی و ملزومات پیروزی بر رقیب در روابط پیچیده علم و فناوری (Patman&Davis,۲۰۱۵). از بارزترین مثال‌ها در این زمینه می‌توان به اظهارنظرهای علمی سیاستمداران درخصوص مواردی نظیر تغییرات آب و هوایی، امنیت غذایی، تامین انواع انرژی و فراگیری بیماری‌ها و... اشاره کرد. رویکردی که دانش و تخصص علمی مورد نیاز دیپلمات‌ها و سیاست گذاران را تامین می‌کند تا در اظهار نظرها و مباحثات خود دست بالا را داشته باشند. در این حالت علم، فناوری و نوآوری در راستای حمایت از اهداف سیاست خارجی به‌عنوان پشتوانه عمل می‌کند. مدل دوم دیپلماسی برای علم است، بی شک هر کشوری به دنبال ارتقای توانمندی فناورانه و نوآورانه خود در عرصه بین‌المللی است. در این میان تسهیل همکاری میان بازیگران اکوسیستم نوآوری داخلی هر کشور با بازیگران متناظر خارجی آنها از اولویت‌های کاری دستگاه دیپلماسی است. شبکه‌های دیپلماتیک و کنسولی در خارج از کشور به طور سنتی وظیفه تسهیل این موارد را به عهده داشته و دارند، خواه از طریق تسهیل صدور روادید و اطلاع رسانی رویدادهای داخلی و خارجی به طرفین، خواه از طریق ارائه پیشنهادات جذاب کاری و کمک‌های مالی. بی‌تردید چنین اموری بایستی با موافقت دولت‌ها و در قالب گفت‌وگوهای دیپلماتیک انجام شود. بنابراین در این مدل از ظرفیت¬های سیاسی و دیپلماتیک استفاده می‌گردد تا بازیگران و فعالان اکوسیستم نوآوری یک کشور از مزایای بهتری بهره‌مند گردند. مدل سوم علم برای دیپلماسی است، در این مدل استفاده از علم برای کمک به ساخت و ارتقای روابط بین‌المللی به ویژه جایی که این روابط دچار فشار و تنش در روابط رسمی شده باشد. (Patman&Davis,۲۰۱۵) مد نظر است. این مدل قائل به این نکته است که علم به واسطه بی‌طرفی ذاتی خود می‌تواند به ابزاری جهت شکل‌دهی، استحکام و استمرار روابط بین الدولی خصوصا دولت‌ها و کشورهای متخاصم گردد. در این رویکرد همکاری‌های علمی و فناوری به عنوان ابزاری برای بهبود روابط بین‌المللی بکار گرفته می‌شوند. بنابراین زمانی که تنش‌های سیاسی میان کشورها به اندازه‌ای است که به دیپلماسی سنتی اجازه عرض اندام نمی‌دهد، می‌توان از روابط علمی، فناورانه و نوآورانه در راستای حفظ یا احیای پیوندها بهره گرفت. علاقه‌مندی به این رویکرد از دیپلماسی علم، فناوری و نوآوری در سال‌های اخیر قابل توجه بوده و تعاملات درباره آن و سیاست‌های برآمده از آن، بیشتر به قرن بیست و یکم تعلق دارد (دوئل و وانگ، ۲۰۰۲). شاید بهره‌مندی از این نوع رویکرد در دیپلماسی علم بتواند راهکار خوبی برای بهبود و ارتقای روابط ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس باشد. اما نتیجه دیپلماسی علم برای دو جامعه نخبگی سیاست و علم هرچه باشد اگر منافع عمومی را تامین نکند قطعا از پشتوانه و اقبال مردم بی‌بهره خواهد بود. بنابراین توجه به تامین منافع مردم در رویکرد چهارم حائز اهمیت است. نشریه اشپرینگر در نوشتار اخیر خود در سالجاری ۲۰۲۱، مجموعه مقالاتی را با عنوان علم و دیپلماسی چاپ نموده که در این مجموعه، چهارمین رویکرد یعنی علم و دیپلماسی برای مردم بصورت برجسته مد نظر قرار گرفته است. در این رویکرد هر دو ابزار علم و دیپلماسی بایستی با در نظر داشتن موضوعات اخلاقی، تعاملات اجتماعی و عمومی در جهت تامین نیازهای افراد به کار گرفته شوند. مشارکت عمومی در فرآیندهای دیپلماتیک در این زمینه برای پیشرفت عمومی بشر ضروری است. لذا تامین منافع عمومی در مسیر توسعه دیپلماسی علم، فناوری و نوآوری ضرورتی است که نه تنها باعث تقویت و استحکام توسعه این نوع از دیپلماسی می‌گردد بلکه باعث می‌شود تا مردم به عنوان ناظران و ذینفعان اصلی، عملکرد دستگاه دیپلماسی را بررسی و نخبگان هر دو حوزه علم و دیپلماسی را در جهت ارتقای سطح رفاه اجتماعی یاری نمایند.

روی خـــط

سیدناصر قوامی:

کنار رفتن پایداری‌ها به دلیل عملکرد آنهاست

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در ارتباط با تضعیف پایداری در مجلس با تغییرات اخیر رخ داده اظهار داشت: تغییر کردن روسای کمیسیون در مجلس امری عادی است و بیشتر بستگی به این دارد که اعضا از نحوه اداره کمیسیون توسط رئیس راضی هستند یا خیر. البته شاید تا اندازه‌ای هم ناشی از مسائل جریانی باشد. حجت‌الاسلام سید ناصر قوامی گفت: حذف دو چهره پایداری از ریاست کمیسیون‌های اصل نود و سیاست خارجی احتمالا متاثر از عملکردشان در جایگاه رئیس بوده است اما این احتمال هم وجود دارد که خواسته باشند این جریان در راس کمیسیون‌ها نباشد. وی افزود: در مجموع اما نمی‌توانم با اطمینان بگویم که پایداری در مجلس تضعیف شده است زیرا دقیقا نمی‌دانم که قبلا چند کمیسیون را در اختیار داشتند و اکنون چند کمیسیون را دارند. ضمن اینکه دو کمیسیون مذکور اهمیت چندانی ندارند. وی تصریح کرد: کمیسیون اصل ۹۰ خیلی مهم نیست چون مربوط به شکایت هر کسی از قوا است. کمیسیون سیاست خارجی نیز از این جهت اهمیتی ندارد چون اصلا تصمیمات سیاست خارجی در سطح کلان و زیر نظر شورای عالی امنیت ملی اتخاذ می‌شود لذا اعضای این کمیسیون در این امر نقشی ندارند که حالا در راس بودن یا نبودن پایداری خیلی قابل توجه باشد.

محمدرضا خباز در مصاحبه با «آرمان ملی»:

مجلس به بلوغ سیاسی نرسیده است

- ارتباط با دیگر کشورها نیازمند سعه صدر است
- ریاست مجلس پنجم در شرایط مشابهی از تنازعات جلوگیری کرد
- قانون درباره اختیارات رئیس جمهور باید اصلاح شود

آرمانی ملی- نرگس کارخانه‌ای: پایان روزهای دولت روحانی در تنش‌های جناحی می‌گذرد، در حالی که روحانی برخلاف مجلس که در جست‌وجوی انتقام است و عملا نیز این را در همین روزهای گذشته به اثبات رسانده است بیشتر در این روزها زبان به گلایه می‌گشاید و دلیل به سرانجام نرسیدن برنامه‌ها و برخی طرح‌ها را ناهماهنگی‌ها و سنگ‌اندازی‌های مجلس می‌داند و معتقد است شرایطی بسیار بهتر را در کشور شاهد بودیم اگر مجلس از اقدامات خود در خلاف جهت اقدامات دولت دست برمی‌داشت. این در حالی است که دولت و بسیاری از کارشناسان حل بسیاری از مشکلات کشور را در گرو به نتیجه رسیدن برجام می‌دانند. بر کسی پوشیده نیست که در تمام این مدت یک ساله کار مجلس یازدهم به وضوح مخالفت‌های عمیق با رویکردها، عملکرد دولت و خود اعضای آن را از سوی مجلس شاهد بوده‌ایم و از طرفی حتی ذره‌ای نتیجه از این درگیری‌ها و به نوعی مطالبه‌گری‌های نمایندگان مجلس ندیده‌ایم و همین امر سبب شده است بسیاری باور کنند که این اقدامات جز عقده گشایی‌های سیاسی و کینه‌ورزی‌های جناحی هدف دیگری نداشته چرا که حتی در این روزها هم با وجود مشکلات اساسی مردم مناطق مختلف در امور مختلف همچنان بیش از هر چیز صدای دعواهای جناحی از مجلس بلند است. با این اوصاف درست است که توقع زیادی از مجلس نمی‌رود اما آیا این موضوعات مطرح شده را تنها باید بحث‌هایی دانست که طبق معمول از سوی هر رئیس جمهوری در پایان کار او مطرح می‌شود. در این رابطه «آرمان ملی» به گفت‌وگو با محمدرضا خباز، عضو شورای مرکزی اعتماد ملی، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

آقای روحـــانی بارها مجلس را مقصر برخی مشکلات و مانع به نتیجه رسیدن اموری مانند برجام می‌دانند، مسئولیت چه سهمی از این مشکلات را بر دوش مجلس می‌دانید؟

تا حـــدودی حـق با آقای روحانی است. از نظر قانونی و منطقی ارتباط بین مجلس و دولت به منزله دوبال یک پرنده است. یک پرنده با دو بال پرواز می‌کند و کشور هم با دو بال مجلـس و دولت می‌تواند پـــروازهای مهم و راهگشایـــی داشته باشد هرگاه ارتباط بیـــن دولت و مجلس ارتباط مناسبی بوده است موفقیت‌هـــای زیادی تحقق یافته است و هرگاه که درصدد تقابل برآمده‌اند ناکامی‌های فراوانی را مشاهده کرده‌ایم. این به این معنا نیست که هر دو از یک جناح باشند بلکه ممکن است از دو جناح سیاسی مخالف باشند اما هر دو باید عاقل باشند و به منافع ملی کشور بیاندیشند و مسائل مهم ملی کشور را به مسائل جناحی ترجیح دهند، آنچه متاسفانه در این مجلس شاهد نبوده‌ایم. برای مثال در مجلس پنجم رئیس دولت، آقای خاتمی، انتخاب شد و آقای ناطق که در انتخابات رقیب آقای خاتمی بود و شکست خورد، رئیس مجلس بود. اگر مانند مجلس کنونی رفتار می‌شد باید حتما مجلس پنجم در مقابل دولت گارد می‌گرفت چرا که اکثریت غالب آن مجلس هم اصولگرایان بودند و دولت از جناح اصلاح‌طلب. ما اساسا دو وظیفه داریم، یک وظیفه قبل از انتخابات و حین انتخابات که هر کس بر مبنای نگاه سیاسی که دارد از کاندیدای خود حمایت می‌کند اما بعد از انتخابات این درگیری‌ها باید تمام شود و هر دو به منافع جدی کشور بیاندیشند و آن کاری را کنند که در جهت حل این مشکلات باشند. در این صورت است که مشکلات یکی پس از دیگری با کمک یکدیگر حل می‌شوند و اگر از ابتدا چنین می‌شد ما امروز با تلی از مشکلات ریز و درشتی مواجه نبودیم که هر یک در گوشه‌ای از کشور گریبان مردم و مسئولان را گرفته است. در همان زمان آقای خاتمی و پس از معرفی وی، مجلس جلسه‌ای گذاشتند و تصمیم گرفتند به چهار وزیر خاتمی رای ندهند، یعنی عبدا... نوری معین، عطاا... مهاجرانی و مظفر. اما درایت رئیس مجلس و عملکرد عاقلانه وی باعث شد که این تصمیمات خنثی شوند و کابینه خاتمی به طور کامل رای آورد و دولت کار خود را آغاز کرد. متاسفانه در مجلس یازدهم حتی پیش از رای‌گیری و تشکیل، عده‌ای از افراد تند اعلام کردند که به محض ورود به مجلس رئیس دولت را استیضاح خواهند کرد و عدم لیاقت و کفایت را به وی خواهند داد. این یعنی شمشیر را از روبستن و بی‌توجهی به منافع ملت و کشور. حالا هم برخی از این افراد متاسفانه به مجلس راه یافته‌اند و این تصمیم را عملی هم کردند. تعدادی از این افراد برخی از وزیران را احضار کردند. در همین روزهای گذشته هم شاهد احضار دو وزیر از کابینه آقای روحانی بودیم و همه نحوه برخورد با وزیر ارتباطات را دیدند. آنها حتی با احضار آقای ظریف وی را مورد توهین‌های خیلی زشتی قرار دادند که آن توهین‌ها امروز حتی در منطق خاصی از شهر هم دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. آنها حتی تصمیم به برخورد خیلی خشن نسبت به رئیس جمهور در صورت حضور در مجلس داشتند. تمام این اقدامات نشان دهنده آن است که آنها هنوز به بلوغ سیاسی و عقلانیت نرسیده‌اند، دری به تخته‌ای خورده و با حداقل رای به مجلس راه پیدا کرده‌اند و در نتیجه اینطور در مقابل دولت صف آرایی می‌کنند و در پی عقده‌گشایی هستند. درست است که مجلس مانع برخی اقدامات دولت شده است، نمونه‌ها بسیار است از آنچه رئیس دولت پیشنهاد داد و در مجلس عکس آنها عمل شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که مجلس نه تنها همکاری لازم را نکرد بلکه مانع هم بود. برای نمونه در خصوص برجام دولت سعی داشت مذاکرات را پیش ببرد و به نتایجی برساند اما آنها اصرار کردند که اگر تا اسفند آمریکا به برجام بازنگردد، اجازه بازدیدها را به هیچ گروهی نخواهند داد. بنابراین اتفاقاتی که قرار بود سال گذشته تحقق یابد و از نتایج و برکات آن امسال برخوردار باشیم عملی نشد.

> آنها یا باید بگویند که نمی‌خواهند با هیچ جایی ارتباط داشته باشند و یا اگر ارتباط می‌خواهند باید بپذیرند ارتباط نیازمند سعه صدر، عقلانیت، زیرکی خاص خود و کار کارشناسی عالمانه و عاقلانه است که در برخی از این عقاید تندرو نمی‌توان آنها را یافت

یکی از مسائل اساسی همین است که مجلس در اموری مانند برجام با دولت هم عقیده نبود، آیا چنین مجلسی آینده برجام و رفع تحریم‌ها را نابود خواهد کرد؟

برخی از همین افراد باور دارند که مهم هم نیست اگر این نتایج در برجام محقق نشد. آنها یا باید بگویند که نمی‌خواهند با هیچ جایی ارتباط داشته باشند و یا اگر ارتباط می‌خواهند باید بپذیرند ارتباط نیازمند سعه صدر، عقلانیت، زیرکی خاص خود و کار کارشناسی عالمانه و عاقلانه است که در برخی از این عقاید تندرو نمی‌توان آنها را یافـــت. یکی از کارشناسان اقتصادی چنین بیان می‌کرد که یکـی از گلایه‌های اصلی مردم و دولت وجود بانک‌هایی است که به وظیفه بانکی خود عمل نمی‌کنند و این خود یکی از دلایل فشار بر مردم و افزایش تورم است. وی معتقد بود که اگر بخواهیم بانک‌ها اصلاح شوند و از این طریق بتوانیم جلو مفاسد بانکی، سوءاستفاده از رانت‌ها را بگیریم باید بانک‌ها را در کشور به بانک‌های جهان مرتبط کنیم و این سبب شفافیت است، چراکه هر اتفاقی بیفتد برملا می‌شود. بنابراین ما نمی‌توانیم با همه دنیا قطع ارتباط کنیم و باید از بهترین روشی که همه دنیا در اداره کشور از آن بهره می‌برند استفاده کنیم و این حق مردم کشور ما است. این برخوردهای نمایندگان هم روی مدیران اثر داشت و هم موجب ناامنی و اغتشاش در جامعه شد و بدتر از همه بدآموزی داشت، چرا برخورد چنین افرادی در مقام نمایندگی مجلس و گاهی حتی با لباس روحانیت که اخلاق و ادب انسانی را رعایت نکردند اثر منفی بر تنازعات در سطح جامعه خواهد داشت همانطور که پیامبر فرمودند: «مردم به روش حاکمان خود هستند.» در یکی از سال‌ها به مناسبت روز مجلس که به حضور مقام معظم رهبری رسیده بودیم ایشان فرمودند: «مجلس به منزله ریل گذار است و دولت به منزله لکوموتیو ران به عنوان قطاری که قرار است از روی این ریل رد شوند.» پس این ریل باید قوی، دقیق و کارشناسی شده باشد، نه اینکه هر نماینده هر چه به ذهنش رسید را به عنوان طرحی که کارشناسی نشده و جوانب آن سنجیده نشده به امضای چند نفر دیگر هم درآورد به صحن آورد و از طرفی لوایح دولت خاک بخورد. در نتیجه از دست دادن همین فرصت‌های یک سالـــه، دو ساله و چهار ساله است که چهل سال فرصت‌های ارزشمند از دست رفته است. مجلس جای تعقل است و نه احساسات، قوانین که در آن تصویب می‌شوند قرار است سالیان سال بر یک کشور حاکم شود.

> ممکن نیست همه روسای جمهور اشتباه کنند و این نشان می‌دهد که ایرادی اساسی‌تر وجود دارد، ایرادی که محدود به افراد خاص نمی‌شود. ما مسئولیت تمام امور اجرایی را به عهده رئیس جمهور می‌گذاریم در حالی که اختیارات وی متناسب با مسئولیت نیست که باید حتما در جریان اصلاح قانون اساسی اصلاح شود

آیا ناکافـــی بودن اختیارات رئـیس جمهور را نیز جز دیگـــر علل به نتیجه نرسیدن طرح‌ها و برنامه‌ها می‌دانید؟

در مناظره خود پیش از انتخابات در صـــدا و سیما با حضور نایب رئـــیس مجلس یازدهم هم گفتم که هر کسی رئیس جمهور باشد، چه مانند آقای هاشمی قدرتمند، چه مانند آقای خاتمی محبوب در داخل و در صحنه‌های بین‌المللی، یا مانند احمدی‌نژاد همراه با تمام نهادها و مجلس و بعدتر آقای روحانی همه از بسته بودن دستشان در تلاش بیشتر گله کرده‌اند. ممکن نیست همه روسای جمهور اشتباه کنند و این نشان می‌دهد که ایرادی اساسی‌تر وجود دارد، ایرادی که محدود به افراد خاص نمی‌شود. ما مسئولیت تمام امور اجرایی را به عهده رئیس جمهور می‌گذاریم در حالی که اختیارات وی متناسب با مسئولیت نیست که باید حتما در جریان اصلاح قانون اساسی اصلاح شود. در دوره دوم آقای احمدی نژاد زمانی که مجلس و دولت برخلاف دور اول در مقابل یکدیگر قرار گرفته بودند، رهبری فرمودند که «باید به سوی اصلاح قانون اساسی حرکت کنیم.» زمان آن رسیده است و حتی دیر هم شده است. آزموده را آزمودن خطا است، ما امیدواریم که رئیس جمهور جدید موفق باشد اما این شرایط برای هر کسی که به ریاست دولت برسد جریان خواهد داشت و تنها با اصلاح ساختارها این مشکل برطرف خواهد شد.

> متاسفانه در مجلس یازدهم حتی پیش از رای‌گیری و تشکیل، عده‌ای از افراد تند اعلام کردند که به محض ورود به مجلس، رئیس دولت را استیضاح خواهند کرد. این یعنی شمشیر را از روبستن و بی‌توجهی به منافع ملت و کشور

آیا باور دارید با هماهنگی مجلس و دولت در دوره جدید از برخی تنازعات جلـــوگیری شود و شاهد رفع مشکلاتی در کشور باشیم که در حال حاضر با انباشت آنها مواجه هستیم؟

ما امیدواریم و شعارها هم در این باب بسیار هستند، اما در واقعیت احتمال آن ضعیف است چرا که این مشکلات یک شبه ایجاد نشده‌اند که یک شبه هم برطرف شوند. مشکلات در این ۴۰ سال انباشته شده‌اند و یک دولت نمی‌تواند معجزه کند. البته که ارتباط بین دولت و مجلس می‌تواند لااقل از ایجاد مشکلاتی جلوگیری کند در دوره آقای روحانی میان این دو قوه شاهد بوده‌ایم و مانع از هدر رفت انرژی دولت و مجلس می‌شود البته اگر در جایی مانند مجلس انرژی در صورت عدم هدر رفت به درستی صرف شود. اگر باز هم نتوانند طور دیگری عمل کنند و یاری رسان دولت در حل مشکلات کشور باشند باید از کارشناسان و نظرات آن‌ها بهره گیرند و به دنبال لوایحی بروند که دولت نیاز دارد. این شرایط نمی‌تواند ادامه داشته باشد. همانطور که می‌دانید مجلس می‌تواند قانون سه فوریتی داشته باشد و در همان روز که آن را مطرح می‌کند تصویب هم بکند و یا به عنوان یک قانون دو فوریتی ۴۸ ساعت بعد تصویب کند و یا قوانین عادی با فوریت داشته باشد تا در طول ۱۵ روز یا یک ماه به نتیجه برسد در صورتی که تنظیم لوایح در دولت بسیار طولانی است و حدود چند ماه تا یک سال طول می‌کشد اما نمایندگان می‌توانند به جای اینکه طرح‌هایی را که به ذهن خودشان می‌رسد بررسی کنند همان خواسته دولت را با کار کارشناسی دولت، مرکز پژوهش‌های مجلس، اتاق بازرگانی و مجموعه فعالان اقتصادی کشور به صورت قانون درآورد که بسیار راهگشاتر است، چرا که از پشتوانه کارشناسی قوی‌تری هم برخوردار هستند.

خودتغییری و خودتبدیلی؛ اصول حکمرانی ست

ادامه از صفحه اول / به تعبیری اولویت‌های جامعه با مسئولان در تراز هم نیست. این عدم‌تناسب آسیب‌های جدی به همراهی و همچنین اتحاد و انسجام ملی وارد کرده است؛ بنابراین چنین واقعیتی را باید پذیرفت. متاسفانه برخی مسئولان هنوز واقعیت‌های امروز را دقیق ملاحظه نکرده‌اند اما داده‌های تاریخی در اکثر مواقع نشان داده است که بالاخره خواست و مطالبات جوامع سر جایش باقی است؛ بنابراین در چنین فضایی هر گونه تغییر و تبدیلی را باید با کمترین هزینه ایجاد کرد! سیاستمداران هوشمند و جامعه‌شناس تغییر و تبدیل‌شان را با تغییر و تبدیل مردم یا همان خرد عمومی جامعه متناسب می‌کنند! و به نوعی خودتغییری و خود تبدیلی دارند! سوال مهم و کلیدی این است چرا برخی حکمرانان جوامع از تغییر و تبدیل ترس دارند؟ بنابراین راز بقا و ماندگاری خودتغییری و خود تبدیلی‌ست. اگر حکمرانان از جامعه خود عقب‌تر باشند دیر یا زود با جوامع‌شان سرشاخ خواهند شد و حکمرانانی که با ملت‌های‌شان در تقابل قرار بگیرند در صفحات خوب تاریخ قرار نمی‌گیرند و داده‌های تاریخی نیز همواره پیروزی ملت‌ها را نشان داده است!

فراســـو

محمدجواد جمالی نوبندگانی مطرح کرد:

تصمیم‌گیری برای برجام خارج فضای احساسی

یک نماینده مجلس دهم درباره احیای برجام در دولت رئیسی اظهار داشت: بحث احیای برجام به هیچ عنوان با تلاش‌های یک طرف قضیه احیا نمی‌شود بلکه طرفین باید حسن‌نیت خودشان را نشان دهند و اقدام عملی و واقعی در این راستا به کار گیرند و هر آنچه که لازم است برای احیای این توافقنامه انجام دهند. محمدجواد جمالی نوبندگانی با اشاره به اینکه این تنها ما نیستیم که باید به فکر احیای برجام باشیم، گفت: شرایط امروز این گونه است که آمریکایی‌هایی که از برجام خارج شده‌اند، می‌خواهند به آن بازگردند اما در این راستا تنها شعار می‌دهند که قصد بازگشت دارند و دائما توپ در زمین ایران است در حالی که منطق حکم می‌کند کسی که از توافق خارج شده است، شرایط احیا را هم فراهم کند. وی افزود: جمهوری اسلامی به گفته سخنان مقامات اروپایی، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و آمریکایی‌ها تمامی تعهدات برجامی‌اش را انجام داده و در این تعهدات حتی به‌رغم اینکه در زمان آقای اوباما تحریم‌ها تشدید شد و بعد از اینکه ترامپ هم از برجام خارج شد یک سال و نیم تا دو سال به عهد خود باقی ماند و به وظایفی که داشت عمل کرد و بعدا آنها را کاهش داد و حتی هیچ وقت هم رسما از آن خارج نشد. جمالی نوبندگانی با بیان اینکه طرفی که از برجام خارج شده اگر واقعا بخواهد برگردد جمهوری اسلامی ایران نباید در قبال حقوق خودش و بسیاری از دارایی‌هایش کوتاه بیاید، اظهار داشت: اگر برجام را پذیرفتیم و غنی‌سازی خودمان را از ۲۰ درصد به ۳.۶۴ رساندیم و برخی از تعهدات دیگر اراک، نطنز و فورد؛ برای این بود که از یک فضای مناسب‌تری در خصوص وضعیت سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی استفاده کنیم. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم بیان کرد: در حالیکه ما یکسری از تعهدات را پذیرفتیم، به گفته خودشان بی‌رحمانه‌ترین و همه‌جانبه‌ترین فشارهای حداکثری را روی جمهوری اسلامی ایران آوردند و امروز حق داریم از طرفی که از برجام خارج شده است ضمانت درستی بگیریم، چراکه چه تضمینی وجود دارد ما به تعهدات قبلی خودمان برگردیم و یک رئیس‌جمهور دیگر بیاید و زیر مذاکرات نزند. وی ادامه داد: اینکه ما بعد از خروج آمریکا و ترامپ از برجام خارج نشدیم کار درستی بود، زیرا ترامپ و دوستانش و حتی اروپایی‌ها نتوانستند نسبت به آنچه که می‌خواهند در شورای امنیت رای بیاورند زیرا آنها آن موقع به دنبال این بودند که ما هم از برجام خارج شویم و ما را هم‌سنگ و همتراز آمریکایی‌ها قرار دهند و بگویند شما هم مثل آنها هستید که اینجا به نظر من حاکمیت در این زمینه یک هوشیاری نشان داد و از برجام خارج نشد. جمالی نوبندگانی تاکید کرد: درست است که هر کسی هر اظهارنظری دارد باید آن را بیان کند اما ما باید از فضای احساسی دوری کنیم و از دشمنی‌های جناحی که به ضرر امنیت ملی و منافع ملی است، اجتناب کنیم و بگذاریم یک فضای فنی و تخصصی صورت بگیرد به طوری که هم منافع مان محقق شود و هم اجماع بین‌المللی علیه ما شکل نگیرد و پیشرفت‌های فنی داشته باشیم.

دریچـــه

سید حسین نقوی حسینی:

بنای ایران مذاکره با آمریکاست

یک فعال سیاسی اصولگرا در رابطه با انتقادات به دولت در زمینه برجام و اظهار نظر برخی نمایندگان مبنی بر دادگاهی کردن تیم مذاکره کننده و رئیس جمهور اظهار داشت: همه می‌دانیم استراتژی نظام در مقابله با حل پرونده هسته‌ای مذاکره بود نه مقابله؛ ایران دو استراتژی را می‌توانست انتخاب کند نخست اینکه مقابله کند و هیچ مذاکره‌ای را به انجام نرساند و ایران مسیر خود برای هسته‌ای شدن را طی کند که این راه یک مقابله و تنش بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد و استراتژی دوم مذاکره بود که نظام جمهوری اسلامی ایران، مذاکره را انتخاب کرد. سید حسین نقوی حسینی گفت: مذاکره مربوط به دولت آقای روحانی نیست، در زمانی که دکتر جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی بودند سال‌ها همین مذاکرات انجام می‌شد و برای حل پرونده هسته‌ای و دستیابی به یک توافق تلاش‌هایی صورت گرفت و حتی متن توافقات انجام شده نیز منتشر می‌شد، بنابراین اصل مذاکره را کسی نمی‌تواند زیر سوال ببرد، مذاکره تصمیم آقای روحانی یا تصمیم عراقچی و یا آقای ظریف نبود، در نوع مذاکره هم هیچ بحثی وجود ندارد البته در محتوای مذاکرات بحث‌هایی وجود دارد، ولی در آنچه که نظام و مدیریت کلان نظام بر روی آن توافق کرده و پذیرفته و یا مشروط به شرایطی تایید کرده هیچ جای بحث و گفت‌وگویی نیست. وی ادامه داد: اگر موضوع مورد بحث نمایندگان آنچه که به عنوان توافق برجام اعلام شده و نتایج مذاکرات است که اینها روند قانونی خود را طی کرده و شرط و شروط اجرای آن مشخص است اما اگر خارج از اینها توافقاتی انجام شده می‌توانند بیان کنند و مورد پیگیری قرار دهند، البته در مذاکرات مرسوم است که طرفین به صورت شفاهی و محرمانه چیزهای دیگری را توافق می‌کنند اگر چنین چیزهایی دور از چشم نظام اتفاق افتاده و گزارش نشده است بله حق نظام است که همه را محاکمه کند و همه موارد را شناسایی و مشخص کند اما اگر موضوع، همین توافقات شفافی است که اعلام شده و جمهوری اسلامی هم طبق روند قانونی خودش آنها را تایید کرده و یا طبق شرایطی با اجرای آنها موافقت کرده که اینها دیگر، مورد بحث نیست. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم در رابطه با سرنوشت برجام و مذاکرات در دولت سیزدهم بیان کرد: بنای جمهوری اسلامی ایران مذاکره با آمریکا است به نوعی استراتژی مذاکره در دولت سیزدهم با دولت قبل فرقی نخواهد کرد. تصمیم جمهوری اسلامی ایران این است که پرونده هسته ای را از طریق مذاکره به سرانجام برساند، اما بحث بر روی نوع مذاکره است. اگر به بیانات رئیس جمهور منتخب توجه کرده باشید ایشان اشاره کردند که باید برجام را به سرانجام برسانیم و مذاکرات به توافق برسد، منتها ایشان معتقد هستند که یک دولت مقتدر می‌تواند اینها را به یک توافق درست برساند. قطعا یکی از اولویت‌های دولت ادامه مذاکرات و به نتیجه رساندن آن است. فکر می‌کنم غربی‌ها خیلی مشتاق‌تر از جمهوری اسلامی ایران هستند تا به یک توافق دست یابند همچنین ایران هم بنایش ادامه مذاکرات با استحکام است و فکر می‌کنم می‌توانیم با اقتدار به یک توافق مثبت و خوبی، برسیم.